

سه دام شیطان
سه دام شیطان که هر روز در آن گرفتار می‌شویم؛ از این به بعد خودت متوجه آن‌ها خواهی شد.
اولین دام، ترس از گذشته است؛ اشتباهات، گناهان و رنج‌ها.
دومین دام، ترس از آینده است؛ فردا چه خواهد شد؟ مردم چه فکری خواهند کرد؟ اگر همه چیز فروپاشد چه؟
سومین دام، ناسپاسی از خداوند برای زمان حال است. از همین‌جا ناامیدی آغاز می‌شود؛ اضطراب، وحشت و ترس از عمل کردن.
چگونه از این دام‌ها رها شویم؟
گذشته:
شیطان تو را به گناهان گذشته برمی‌گرداند و در گوشت زمزمه می‌کند: «خدا تو را نخواهد بخشید.» و انسان به جای اینکه به رحمت خدا ایمان داشته باشد، این زمزمه را باور می‌کند. این دیگر توبه نیست، بلکه بی‌ایمانی است. قدیسان به سادگی می‌گفتند: اگر گناه کردی، متوقف شو، توبه کن و به راهت ادامه بده. خداوند منتظر است که برخیزی.
آینده:
شیطان می‌خواهد تو را وادار کند سناریوهای وحشتناک را بارها در ذهنت مرور کنی و از پیش خسته و فرسوده شوی؛ تا دیگر نه دعا کنی و نه به سوی خدا بروی. اما گفته شده است: «برای فردا نگران نباشید.» آینده هنوز نیامده، اما ترس از آن همین امروزت را می‌دزد.
حال:
این خطرناک‌ترین دام است؛ ما برای آنچه اکنون داریم، خدا را شکر نمی‌کنیم. گذشته دیگر وجود ندارد و آینده هنوز نیامده است؛ و حال تنها چیزی است که در اختیار ماست: همین صبح، آسمان، سقف بالای سرمان، غذا و خود زندگی. از خواب بیدار می‌شوی و همین حالا چیزی داری که برایش بگویی: خدایا شکرت، سپاس خداوند را.
هر سه دام در یک نقطه به هم می‌رسند: ناامیدی.
ناامیدی تو را از دعا، از کار و از عزیزانت دور می‌کند. درباره گذشته می‌گوید: «دیگر نمی‌توانی چیزی را درست کنی.» درباره آینده می‌گوید: «موفق نخواهی شد.» و در زمان حال تو را فلج می‌کند.
اما ما سلاحی داریم؛ همان‌گونه که پیر روحانی، آنا تولی اپتینسکی تعلیم می‌داد: دعای عیسی: «خداوندا، عیسی مسیح، بر من گناهکار رحم فرما.»
این دعا تو را به سوی خدا باز می‌گرداند؛ نه به گذشته و نه به ترس از آینده، بلکه به همین لحظه، به زمان حال.
برای گذشته توبه کن.
برای آینده به خدا اعتماد کن.
و برای امروز شکرگزار باش.
پس برخیز. ادامه بده. و از هیچ چیز نترس...